

عمارت بهارستان ۳ بار در آتش سوخت

ماجرای تابوت خالی در انفجار دفتر نخست‌وزیری



■ موضوع: روایت فرمانده ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران در روز شهادت رجایی و باهنر
■ موقعیت: خیابان پاسستور

ساعت ۱۴ و ۴۵ دقیقه یکشنبه ۸ شهریور سال ۱۳۶۰ صدای انفجار مهیبی خیابان پاسستور تهران را به لرزه درآورد. آتش و دود از ساختمان نخست‌وزیری زبانه می‌کشید و خبر از فاجعه‌ای عظیم می‌داد.

ملت به سمت ساختمان نخست‌وزیری می‌دویدند و صدای بلند آژیر آتش‌نشانی همه‌جا را پر کرده بود. خاطره یک روز تلخ که مر ترضی خلیل بیما، پیشکسوت آتش‌نشانی تهران از آن به‌عنوان یکی از بدترین روزهای کاری‌اش نام می‌برد. خلیل بیما در آن ایام فرمانده ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران بود. او آن روز را اینگونه روایت می‌کند: «صدای انفجار که شنیده شد، تیم آتش‌نشانی به سرعت به محل حادثه اعزام شدند. من از جانب سید کمال‌الدین نیک‌روش که آن روزها شهردار تهران بود، مأمور شدم تا گزارشی دقیق و جامع از اتفاق تهیه کنم. وضعیت بسیار ناگوار و دشواری بود. از طرفی همه سراسیمه به دنبال نجات مجروحان بودند و از دیگر سو باید پیکر شهدا را از زیر آوار خارج می‌کردیم. این عملیات تنها مهار آتش نبود؛ چون بمب منفجر شده بود آوار و آتش در آمیخته بود و به‌سختی می‌توانستیم عملیات را پیش ببریم. بمب در جلسه شورای عالی امنیت ملی کشور منفجر شد. به سمت جایگاه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر رفتم. عامل انفجار، بمب را داخل کیفی در کنار صندلی این دو بزرگوار گذاشته بود. خودم با تیم همراه، پیکر شهدا را خارج کردیم.»

در همان ساعات اولیه شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر شعارهای عجیبی شنیده می‌شد. خلیل بیما می‌گوید: «بعد از انتقال اجساد حدود ساعت ۵ بعد از ظهر در جلسه‌ای که با حضور آیت‌الله مهدوی‌کنی (وزیر کشور وقت) و دیگر مسئولان برگزار شده بود، نشستیم بودیم که صداهایی توجهم را جلب کرد. فریادهایی با این مضمون شنیدم: «رجایی، باهنر، کشمیری شهادت مبارک». بلافاصله به مسئولان حاضر در نشست گفتم یک جای کار ایراد دارد. ما فقط ۲ پیکر را در آورده‌ایم و در تابوت گذاشتیم. جنازه سومی نبود. سریع دستور دادند تا بررسی شود و مشخص شد تابوت سوم خالی است و اصلاً کشمیری شهید نشده است. مناقبین می‌خواستند با اعلام اینکه کشمیری به شهادت رسیده است بر علت حادثه سرپوش بگذارند. مسعود کشمیری، عامل بمبگذاری، آن زمان منشی شورای عالی امنیت ملی و عامل اصلی انفجار دفتر نخست‌وزیری بود. در آن زمان که شعار شهادت به گوش می‌رسید، او گریخته بود.»



با اینکه ساختمان مجلس را از ۳ سال قبل بیمه کرده بودند و بسیاری از وسایل را بیرون کشیده بودند اما برآوردها نشان می‌داد حدود ۷۰ هزار تومان خسارت به ساختمان وارد شده است.»

مجلس برای بار سوم در ۱۵ آذر ۱۳۷۳ گرفتار حریق شد. این آتش‌سوزی مهیب در ضلع غربی ساختمان مجلس اتفاق افتاد. در کنار این ساختمان شعبه‌ای از بانک ملی ایران قرار داشت که فرسودگی سیم‌های برق موجب آتش‌سوزی و در نهایت سرایت آتش به ساختمان مجلس شد. البته گفته می‌شود نحوه غیراصولی خاموش کردن آتش به تخریب بیشتر بنا منجر شده و نیمی از ساختمان از جمله تالار پارلمان که چوب از مصالح اصلی آن بود به‌طور کامل از بین رفت. یک سال بعد مجلس به‌صورت اساسی بازسازی و کارهای مختلفی نیز به آن افزوده شد.

عدلیه است به واسطه بخاری آتش گرفت و شاه هم در مراجعت از دوشان تپه به باغ سپهسالار رفت. دو، سه هزار تومان هم خسارت وارد شد. برای میزان خسارت وارده به این ساختمان کافی است بدانید در زمان ناصرالدین شاه قیمت یک پرس چلو کباب ۳ قران بود و با این حساب آتش‌سوزی مورد اشاره، به اندازه ۱۰ هزار پرس چلو کباب برای دربار شاه هزینه در بر داشته است.

نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، ماجرای آتش‌سوزی دوم در مجلس را اینگونه روایت می‌کند: «آتش‌سوزی دوم در ۱۸ آذر ۱۳۱۰ اتفاق افتاد. ساعت‌ها مأموران بی‌شماری برای خاموش کردن آتش تلاش کردند و در نهایت حریق مهار شد. بعد از انجام تحقیقات هم معلوم شد آتش به‌صورت غیر عمدی از لوله بخاری اتاق جنب اتاق جلسه خصوصی سرایت کرده است.»

■ موضوع: وقایع نگاری آتش‌سوزی در مجلس
■ موقعیت: خیابان بهارستان

ساختمان مجلس در طول یک و نیم قرن گذشته ۳ بار طعمه حریق شد و هر ۳ بار هم در پاییز بود. عمارت بهارستان، کاخ بهارستان یا دارالشواری ملی ایران ساختمانی تاریخی است که در فهرست بناهای ملی نیز به ثبت رسیده است و روزگاری از آن برای برگزاری نشست‌های مجلس شورای ملی استفاده می‌شد.

ساختمان مجلس که بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد برای نخستین بار در سال ۱۲۶۱ شمسی دچار آتش‌سوزی شد. آذرماه آن سال اعتمادالسلطنه در خاطرات خود نوشت: امروز (۲۲ آذر) عصر، عمارت طرف مغرب باغ سپهسالار مرحوم که دیوانخانه

هزاران تخته‌فرش امانتی در آتش



■ موضوع: حریق انبار فرش بانک کارگشایی
■ موقعیت: میدان فردوسی

ساعت ۲ بامداد جمعه، اول تیرماه ۱۳۴۱ به مأموران خبر رسید که از یکی از ۲ انبار فرش بانک کارگشایی آتش گرفته و دود از آن متصاعد می‌شود و هزاران تخته‌فرش طعمه حریق شده است. به سرعت از ایستگاه آتش‌نشانی حسن‌آباد ۱۰ ماشین آتش‌نشانی برای مهار آتش به سمت این انبار حرکت کردند. نفتالین و مواد آتش‌زای دیگری که در این انبار زیرزمینی برای نگهداری مورد استفاده قرار می‌گرفت باعث انتشار گاز و دود بسیار زیادی شده بود و همین امر مانع ورود مأموران می‌شد. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه درباره این حادثه تاریخی می‌گوید: «۱۷ نفر از مأموران آتش‌نشانی روز جمعه در همان ساعت‌های اولیه مهار آتش مصدوم شدند. آتش به حدی بود که برای اطفای آن بیش از ۲ هزار نفر به این محوطه تاریخی آمدند. همچنین ارتش و شهرداری هم با اعزام نیرو به کمک آنها شتافتند. مأموران سازمان آتش‌نشانی می‌خواستند آتش را خاموش کنند، ولی ۲ مشکل وجود داشت؛ اول اینکه این انبار تنها یک ورودی داشت و قرار گرفتن انبار در زیر زمین خود مزید بر علت شده بود و مشکل دوم هم به ماشین آتش‌نشانی برمی‌گشت که برای اطفای حریق، آب موردنیاز را نداشت.»

حدادی در ادامه می‌گوید: «سرانجام تصمیم گرفته شد از شاه‌لوله اصلی آب انشعابی گرفته شود و با بستن تمام منافذ انبار، آب را به داخل آن هدایت کنند. برای مهار این آتش

هر ساعت نزدیک به هزار مترمکعب آب وارد انبار می‌شد. در نهایت تقریباً ساعت ۱۱:۳۰ صبح آتش با تلاش مضاعف مأموران آتش‌نشانی و نیروهای کمکی مهار شد. متأسفانه در این حادثه هزاران تخته‌فرش گرانبها در آتش‌سوزی از بین رفت و همین موضوع باعث شد تا از این زمان به بعد بانک کارگشایی از محوطه تاریخی در میدان فردوسی به خیابان مولوی منتقل شود.»